

آیا ژرمن‌ها درصدد کودتا علیه رضا شاه بودند؟

داستانی بی پایه یا حقیقتی غیرقابل انکار؟!

۲ آبان ۱۴۰۱ ساعت ۰:۲۲

گرچه سخن راندن از ادعای کودتای ژرمن‌ها علیه هیتلر و بررسی صحت و سقم آن کاری بسیار دشوار است؛ اما می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که کشورهای غربی بر پایه سیاست‌های خود و ماهیت آن از هیچ کاری برای تأمین منافع و مقاصد سیاسی خود فروگذاری نمی‌کنند. به عبارتی چه بسا اگر هیتلر پیروز میدان می‌شد، برخلاف ادعای خود به رضا شاه مبنی بر همکاری و گسترش روابط فیما بین، موجبات برکناری او را فراهم می‌کرد و یا حتی حملاتی علیه ایران تدارک می‌دید؛ چرا که او سودای فتح جهان را در سر داشت.

با آغاز جنگ جهانی دوم، حکومت ایران به رهبری رضا شاه، اعلام بیطرفی نمود؛ اما رضا شاه از همان آغاز بنا به دلایل و تصورات سیاسی خود، به حمایت پنهانی از هیتلر پرداخت. این موضوع اعتراض متفقین از جمله انگلیس را به همراه داشت؛ اما رضا شاه همواره این موضوع را انکار می‌کرد. متفقین جدا از آنکه همکاری رضا شاه و هیتلر را نقض آشکار بیطرفی ایران می‌دانستند، مدعی بودند که هیتلر درصدد کودتا علیه رضا شاه نیز بود.

گسترش روابط هیتلر و رضا شاه

بعد از آنکه هیتلر در آلمان روی کار آمد و آوازه اقداماتش در ابعاد اقتصادی و سیاسی آوازه جهان شد، کسانی چون رضا شاه مجذوب عظمت و شکوه نام او شدند و به او گرایش یافتند. رضا شاه بر این باور بود که هیتلر فاتح جنگ خواهد بود و از این رو برقراری ارتباط با او می‌تواند ضامن بقای حکومتش باشد. تاج‌الملوک همسر رضا شاه در این رابطه آورده است «هیتلر در دنیا محبوبیت زیادی داشت و در ایران هم خیلی مورد توجه و احترام مردم بود. هیتلر ایرانی‌ها را از نژاد آریایی می‌دانست و چون آلمانی‌ها هم از همین نژاد بودند لذا به ایران علاقمند بود و در دوران حکومت خود تا آنجا که توانست به ایران کمک کرد.»^۱ این روابط در حالی صورت می‌گرفت که رضا شاه منکر روابط با آلمان بود؛ اما متفقین به جزئیات این روابط پی برده بودند. وقتی ارتش آلمان تا کوه‌های قفقاز پیشروی کرد و به مرزهای ایران نزدیک می‌شد، متفقین به وحشت افتادند و با اطلاعاتی که از درون دربار رضاخان داشتند. مطمئن شدند که اگر ارتش آلمان بتواند خود را به مرزهای ایران برساند، رضاخان صددرصد در اختیار آلمان‌ها قرار خواهد گرفت و آلمان هیتلری از طریق ایران می‌تواند بر خاورمیانه از سویی و بر سایر مستعمرات انگلیس که هندوستان مهم‌ترین آنها بود، از سوی دیگر اعمال کنترل کند.^۲

علیرغم اینکه روابط رضا شاه و هیتلر حسنه بود؛ اما بعدها برخی با انتشار اخباری مدعی کودتای ژرمن‌ها علیه رضا شاه شدند. مطابق با این دیدگاه، اقدامات ستون پنجم آلمان در ایران با سفر دریادار کاناریس، رئیس سابق سازمان ضدجاسوسی وزارت دفاع

آن کشور و یک مقام عالی رتبه گشتاپو به تهران در اوت سال ۱۹۴۱، به اوج خود رسید. بنا بر ادعای دولت شوروی، هدف از این سفر که در آستانه اشغال ایران توسط متفقین صورت گرفته بود، تدارک کودتایی به کمک ارتش بر ضد رضاشاه بود که به خاطر شرایط پیش‌بینی نشده به تاخیر افتاد. مقامات شوروی که توسط دستگاه ضد جاسوسی خود از این ماجرا با خبر شده بودند، مسئله خطر کودتا را به اطلاع شاه رساندند.^۳

بولارد در تلگرافی به رضا شاه مدعی شده بود دستگاه‌های تبلیغاتی آلمان کوشش خود را مبنی بر این که نشان دهند دولت انگلستان حامی رژیم سرکوبگر رضاشاه است تشدید کرده‌اند. علاوه بر این، برخی بر این گمانند که آلمان‌ها در صدد تدارک توطئه‌ای (هرچند در مرحله کنونی ناروشن برای سرنگون کردن رضاشاه هستند) البته بعید به نظر می‌رسد چنین اقدامی بدون پشتیبانی ارتش که از شاه حمایت می‌کند به نتیجه برسد.^۴

انگلیس و شوروی مدعی بودند که برخی از سران ارتش با آلمان همگام شده‌اند تا کودتایی علیه او ترتیب دهند. آنها علاوه بر ارتش، از افرادی چون قوام‌السلطنه نیز نام برده‌اند. بنا بر این ادعا، قوام از طریق تشکیل کمیته‌ای در نظر داشت اهداف موردنظر خود را پیش ببرد. در بخش دیگری از این ادعا آمده است کمیته مزبور در تهران جلسات مخفی داشت و شخصی به نام قره‌گزلو را برای تماس با آلمان و دریافت کمک از آن کشور به برلین اعزام کرده است. در بخشی از اسناد مورد ادعا آمده است دولتی که قرار بود پس از کودتا بر سر کار بیاید، از قوام‌السلطنه در مقام نخست‌وزیر، صادق صادق وزیر خارجه، یزدان‌پناه وزیر جنگ، قره‌گزلو وزیر کشور و قدیمی رئیس ستاد ارتش تشکیل می‌شد.^۵

البته نویسندگانی همچون قدیمی به طور کلی منکر این ادعا هستند. قدیمی در بخشی از کتاب خود با عنوان شاه در پیشگاه تاریخ آورده است این داستان بی‌پایه‌تر و ابهام‌آمیزتر از آنست که تصور شده. ادعاهایی که در مورد قوام و رهبری کودتایی علیه رضا شاه شده است نیازمند اسناد استوار است. قوام، با توجه به شرایط سیاسی آن روزگار، می‌خواست به گونه‌ای رفتار کند که بتواند با هر طرفی که در جنگ برنده شود میانه خوبی داشته باشد. در این صفحه‌ها طوری وانمود شده است که گویا اقدام بریتانیا و شوروی در اشغال ایران برای مقابله با خطر نازیسم موجه بود.^۶

با این حال شوکت در کتاب خود به اسنادی در رابطه با ادعای طرح شده هم اشاره کرده است که مهمترین آن اسناد وزارت خارجه انگلیس است که حاوی بیست صفحه مطلب است. البته برخی در انتقاد به این اسناد هم مدعی شده‌اند که بر اساس موضع‌گیری سیاسی و نظامی انگلیس علیه آلمان در آن دوره، نمی‌توان چندان به این اسناد اعتماد کرد. با این حال بنا بر مندرجات یکی از این اسناد، «طرح کودتا برنامه‌ریزی شده و از سوی طرفین مورد توافق قرار گرفته بود. اما در نتیجه دخالت‌های اروین اتل، فرستاده آلمان که نقش سفیر آن کشور در تهران را بر عهده داشت و مدافع حمایت از رضاشاه بود، خنثی شد. دلیل این امر اختلاف میان وزارت خارجی آلمان و فرماندهی عالی آن کشور گزارش شده است.»^۷ اختلافی که در نهایت مانع از کودتا علیه رضا شاه شد.

سخن‌نهایی

گرچه سخن‌راندن از ادعای کودتای ژرمن‌ها علیه هیتلر و بررسی صحت و سقم آن کاری بسیار دشوار است؛ اما می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که کشورهای غربی بر پایه سیاست‌های خود و ماهیت آن از هیچ کاری برای تأمین منافع و مقاصد سیاسی خود فروگذار نمی‌کنند. به عبارتی چه بسا اگر هیتلر پیروز میدان می‌شد، برخلاف ادعای خود به رضا شاه مبنی بر همکاری و گسترش روابط فیما بین، موجبات برکناری او را فراهم می‌کرد و یا حتی حملاتی علیه ایران تدارک می‌دید؛ چرا که او سودای فتح جهان را

در سر داشت. این بخشی از ماهیت واقعی سیاست غرب است که رضا شاه هیچگاه نتوانست آن را درک کند و بر این باور بود که با تأمین خواسته‌های کشورهای غربی می‌تواند اهداف موردنظر خود را محقق سازد.

فهرست منابع

۱. تاج‌الملوک، همسر رضاپهلوی شاه ایران، خاطرات ملکه پهلوی (تاج‌الملوک پهلوی)، بنیاد تاریخ شفاهی (معاصر)، تهران، به‌آفرین، ۱۳۸۰، ص ۹۴.
۲. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۸۷.
۳. حمید شوکت، در تیررس حادثه زندگی سیاسی قوام‌السلطنه، تهران، نشر اختران، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵.
۴. همان، ص ۱۵۶.
۵. همان، ص ۱۵۸.
۶. فخرالدین عظیمی، شاه در پیشگاه تاریخ، نگاه نو، شماره ۸۹، (بهار ۱۳۹۰)، ص ۷۳، برگرفته از رضا صادقیان، نقد نقدهای کتاب نگاهی به شاه، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۷. شوکت، همان، ۱۵۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۹۶۴/بی-داستانی-پایه-یا-حقیقتی-غیرقاب-لانکار>